

## نجات اعمال شد

دیوید بی. گارنر

عیسی مانند هر پسر— بچه‌ای به دنیا آمد (غلاطیان ۴: ۴)، او رشد کرد "در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد" (لوقا ۲: ۵۲). باوجود تلاش‌های معاصر برخی افراد برای به تصویر کشیدن عیسی به‌عنوان یک ابر قهرمان، او از گوشت و خون مریم بود "او را نه صورتی و نه جمالی می‌باشد. و چون او را می‌نگریم منظری ندارد که مشتاق او باشیم" (اشعیا ۵۳: ۲). پسر خدا مانند یکی از ما گشت و از لحاظ عقلی، جسمی، روحانی و اجتماعی بالغ شد.

اگرچه هرگز نامطیع نبود، اما اطاعت را آموخت (عبرانیان ۵: ۸)، با قدم‌های ایمان، او از جوانی به بلوغ و تعالی رسید. او به معنای کامل مردی منظم بود که آموخته شده و بی‌عیب یافت شد: "از این جهت می‌بایست در هر امری مشابه برادران خود شود تا در امور خدا رئیس کهنه‌ای کریم و امین شده، کفّاره‌ی گناهان قوم را بکند" (۲: ۱۷) و "به دردها کامل شد" (آیه ۱۰).

باین‌حال به همان اندازه که عیسی یک شخص عادی است، زندگی او به شکلی بی‌بدیل فراتر از معمول بود. خدا-انسان، نقشی تاریخی و تعیین‌کننده و تکرارناپذیر را در تاریخ بر عهده گرفت. مانند آدمِ عدن، آخرین آدم-عیسی مسیح مردی برای عموم افراد بود. عیسی در منصب و خواندگی خود "رئیس کهنه‌ای کریم و امین شده، کفّاره‌ی گناهان قوم را داد" (آیه ۱۷). فقط این مرد آن خدمت فوق‌العاده و ابدی را به انجام رسانید.

بنابراین وجود انسانی عیسی با عملکرد عمومی‌اش ارزش خود را نشان داد. اعمال او در تمام لحظات با نگاهی فراتر از خودش و قومش به انجام می‌رسید. نبی اعظم، مسیح، با قوم خود سخن گفت. کاهن اعظم، او، برای قوم خود شفاعت کرد، شاه‌شاهان، او، بر قوم خود سلطنت می‌کند. عیسی آمد تا برای قوم خود زندگی کند، بمیرد و دوباره زنده شود. او شبان ماست؛ و ما گوسفندان او هستیم. او نجات‌دهنده‌ی قدّوس ماست؛ در او ما کاملاً نجات یافته‌ایم.

بر همین اساس، ریشه‌های نجات کتاب‌مقدّسی از نقش پر جلال عیسی‌ای مسیح حیات را برای ما به ارمغان می‌آورند. مسیح سنگ زاویه و ما همچون "سنگ‌های زنده" برای بنای "عمارت روحانی" (اول پطرس ۲: ۵) او هستیم. بزرگ‌ترین طرح معماری تاریخ، هر یک از ما را در جایگاهی که توسط خداوند تعیین شده است قرار می‌دهد- هر سنگ زنده‌ای که توسط سنگ اصلی بنا حمایت و حفظ می‌شود. مسیح تاک است؛ ما شاخه‌ها هستیم. زندگی او در ما جریان دارد زیرا آن را از او دریافت می‌کنیم (یوحنا ۱۵: ۴).

مسیح داماد است؛ ما عروس او هستیم (مکاشفه ۲: ۲۱؛ به افسسیان ۵: ۱۸-۳۳ نگاه کنید). نجات‌دهنده با محبتش در عهد، ما را صمیمانه و برای همیشه پوشانیده و حفظ می‌کند.

اما چگونه عمل این مرد باعث برکت یافتن دیگران می‌شود؟ بر اساس حکمت پدر، پسر-خدا از آسمان فرستاده شد تا نجات را به انجام رساند. روح پسر- این نجات را بر قوم او اعمال می‌کند. به واسطه‌ی فیض، روح خدا، قوم خدا را با مسیح حقیقی تاریخ متحد می‌سازد. پسر- به شکلی نجات‌بخش در روح عمل می‌کند؛ قوم خدا به واسطه‌ی همان روح در نجات پسر- سهیم می‌گردند. به اراده‌ی پدر، روح، ما را با پسر متحد می‌سازد.

بدون در نظر گرفتن تفکرات الهیاتی، این عمل روح دارای سه ویژگی متمایز و درعین حال جدانشدنی است. این فیض به جهت ما با حکمت پر محبت الهی پیش از بنیاد عالم طرح‌ریزی شده است (افسسیان ۱: ۳-۶). روح بر حسب عمل مسیح همواره ما را به جانب او، مرگ، دفن شدن و قیام پر جلالش از مرگ جذب می‌کند (رومیان ۱: ۶-۴؛ افسسیان ۲: ۶). بعد از آن، وقتی ایمان را به ما می‌بخشد، روح این یگانگی با مسیح را به‌طور شخصی برای هر یک از ما مؤثر می‌سازد (افسسیان ۱: ۱۳-۱۴). به‌طور خلاصه، طرح اتحاد با مسیح از برگزیدگی الهی سرچشمه می‌گیرد. در انجام نجات الهی، روح ما را به مسیح پیوند می‌دهد. در لحظه‌ی ایمان، روح بلافاصله و به‌طور شخصی و نجات‌بخش کار مسیح را در ما اعمال می‌کند.

قدردانی از روح برای این خدمت به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که نجات، سرشار از حیات و زنده است. نباید نجات را به‌عنوان یک هدیه برای گشودن ببینیم بلکه در آن باید به‌طور شخصی نجات‌دهنده را دریافت کنیم. هدیه‌ی اصلی انجیل شخصی است که انجیل را به ما داده است.

عیسای مسیح "خود را در راه ما فدا ساخت" (تیطس ۲: ۱۴)، و ما او را با کمک روح‌القدس دریافت می‌کنیم. "اما چون که پسر-هستید، خدا روح پسر خود را در دل‌های شما فرستاد که ندا می‌کند، یا ابا، یعنی، ای پدر." (غلاطیان ۴: ۶) و "لکن شما در جسم نیستید بلکه در روح، هرگاه روح خدا در شما ساکن باشد؛ و هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست." (رومیان ۸: ۹). روح‌القدس ما را با یک انسان معمولی و خارق‌العاده متحد می‌سازد. ما در مسیح قرار می‌گیریم و او در ما. ما از آن او هستیم و او از آن ماست.

پس برکات اصلی انجیل مانند، عادل‌شمرده شدن، تقدیس، فرزندخواندگی و جلال نهایی چه هستند؟ این برکات به آن دلیل نصیب ما می‌گردند که مسیح، خود آنها را برای ما محفوظ داشته است. عادل‌شمردگی یک افسانه نیست؛ مسیح به‌واقع آن را برای ما محقق ساخت (اول تیموتائوس ۳: ۱۶). تقدیس شدن یک مفهوم خیالی نیست؛ مسیح حقیقتاً بر گناه غلبه یافته است

(رومیان ۶: ۱۰-۱۱). فرزندخواندگی به معنی ورود به یک خانواده‌ی غیرواقعی نیست، در پسر-متعال خداوند ما حقیقتاً فرزندان خدا می‌شویم (رومیان ۱: ۴؛ ۸: ۱۵-۱۷؛ اول یوحنا ۳: ۱-۳). جلال نهایی ما وعده‌ای تهی نیست؛ رستاخیز مسیح، نوبر قیام یافتن مقدّسین در اوست (اول قرن‌تیاں ۱۵: ۱۲-۲۲). روح حیات‌بخش به واسطه‌ی مسیح بخشیده شد (آیه ۴۵) و جلال قیام مسیح توسط آن روح به تمامی متعلّقین او افزوده شد. زنده شدن جسمانی مقدّسین مسیح پس از مرگ همان اندازه حقیقت دارد که زنده شدن خداوند عیسی مسیح.

زندگی مسیح بر روی زمین به جهت ما بوده و هست. مرگ او برای خودش نبود؛ بلکه برای ما بوده و هست. قیام او از مرگ برای او نبود؛ بلکه برای ما بوده و هست. جدا از عمل مسیح نجاتی نخواهد بود؛ بدون عمل او که توسط روح اعمال می‌شود، نجاتی برای ما نخواهد بود. روح ما را می‌خواند و به شکلی ناگسستنی ما را به مسیح پیوند می‌دهد. امید انجیل ما این است: به واسطه‌ی روح القدس، ما مسیح را دریافت می‌کنیم، او که به جهت ما آمد و در ما ساکن شد. سکونت مسیح در ما "امیدِ جلال" ماست (کولسیان ۱: ۲۷).

**دکتر دیوید بی. گارنر**، معاون و استادیار الهیات سیستماتیک در دانشگاه الهیات وست‌مینستر در فیلادلفیا بوده و از رهبران کلیسای پرزبیتی در آمریکا می‌باشد. او نویسنده‌ی کتاب *Sons in the Son and How Can I Know for Sure?* است.

این مقاله در مجله [تیبل‌تاک](#) منتشر شده است.